

کوشش نامنه تفصیلی

جنگ در کردستان

سازمان قوای دولتی به اکراد میبازد

« هوایمهای دولت دهات و مواضعی چند را در خاک مهاباد، بدون مقدمه و بدون سابقه بمباران کرده، متعاقب آن قوای دولتی از سردشت و سترز بجزله بر اکراد ناحیه مهاباد پرداخته ولی به نتیجه موفقیت آمیزی نرسیده اند. تلفات زیادی به نیروی دولتی وارد آمده، مقداری اسلحه و مهمات و چند دستگاه ای سیم بدست اکراد افتاده و در نتیجه عقب نشینی قوای دولتی ده دهکده بتصرف اکراد در آمده است »

این است خبر تاسف آوری که این هفته از طرف رسیده. اگرچه منبع غیر موثق است ولی اصولاً بدین جهت نداشته و از طرف دولت رسماً تکذیب گردد.

فست جنوبی کردستان شمالی غنوسا در این موقع که ربا آغوش باز هموطن عزیز آذ، باجانی را پذیرفته و وحدت و اخوت دعوت مینماید، با تردید و بدبینی مصرومی نانی بگردد.

اما امروز ...
امروز میگوئیم حمله قوای دولتی بر کردستان شمالی آغاز شده و این عمل از هر جهت بر خلاف مصالح مملکت است باید فوراً دستور تعطیل حرکات نظامی صادر شود.

آقای نخست وزیر باید متوجه باشند که در مقابل این همه تذکر اقداماتی که در کردستان شده بشرح ذیل است:

۱ - در مهاباد و بطور کلی در کردستان شمالی اقدام مثنی از طرف دولت برای دلجوئی اکراد مسئول نگردیده و مابند گالی رسماً از آنها خواسته شده که مستقیماً سرافا راجع بکردستان با دولت وارد مذاکره شوند تا بحو رضایت پستی قضیه کردستان حل گردد.

۲ - در منطقه سترز، بر خشونت مأمورین المروده شده، وقت و آمد مردم تحت کنترل شدید قرار گرفته بطوریکه حتی خارج شدن از شهر و رفتن به دهات حومه شهر هم باید با کسب اجازه قبلی باشد و در اغلب اوقات هم مسافرت بیجا ممنوع می آید.

توقیف افراد روح گرفته به طوریکه تا تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۵ اشخاص ذیل بازداشت شده اند: شامی - شیخ - اسلامی - رشید دیبانی - حاجی علی شیخی - احمد عبوش - حاجی عبدالله محمدی - محسن جعفر زاده - جلیل جعفر زاده - معتمد نیست از آن تاریخ بید چند نفر دیگر هم بازداشت شده باشند.

۳ - در سترز هم عمل بازداشت آغاز شده و میگویند چند نفر بمات اصحاب با حزب دستکرات و یا سلت مطنون بودن بهمکاری آنها توقیف کرده اند در صورتی که این اعمال با بند ۵ اعلامیه دولت راجع به آذربایجان که در مقابل سازمان های دمکراتیک را در آذربایجان مانده سایر نقاط کشور آزاد و محترم شمرده است مغایرت کامل دارد.

حال برویم سراصل موضوع تاسف آورنده اکراد مهاباد و بیست نفر مانده حله از چه ناحیه ای صادر گردیده شرح این مسئله از چند حال خارج نیست:

۱ - دستور تعرض از طرف دولت بقیه در صفحه ۸

اشفیه راه در قسمت سردهت روی داد روه احتیاطی دولت تقویت آن پادگان ها بود ولی این سر فر نوا اگر بنظور هائی غیر ضرورت احتیاطی باشد نمیتوان آرا اصلاح مملکت داشت.

در شماره ۵۱ دوشنبه ۲۶ فروردین تحت عنوان موضوع کردستان کم کم مطرح بشود یاد آور شدیم که:

دولت باید در اسرع وقت مدهای از مغفلین کرد و گسالی را که مورد احترام و امتیاز اکراد هستند دعوت نمود و در حل مسئله کردستان بسا آنها مشورت کند.

امروز موضوع کردستان بسایک تصمیم عاجل دولت و با اصول و یک اعلامیه حل نخواهد شد.

در شماره ۵۲ دوشنبه ۴ اردیبهشت تحت عنوان دانشگاه گذشت تکرار می شود. تذکر شدیم که:

اگر منظور شما ایجاد دبیره ایست نوی در مقابل نهضت اکراد شمال را آن جمع آوری ننگین هائی عشایری نیست راه آن اصلاح فوری اوضاع منطقه ایست که امروز شما در نهایت قدرت در آنجا حکمرانی دارید.

امروز اوضاع منطقه سترز ایجاب میکند که یکی از رجال برجسته مملکت امور کشوری و سیاست آنجا را در دست داشته باشد این کار کار بکنفر بشماره ایست.

در شماره ۵۳ هفته گذشته خطاب به هیئت دولت در سرمقاله خود نوشتیم:

دولت در موضوع کردستان اقدامات نادرستی کرده و در هر یک از این اقدامات باید متوجه شدیم که:

۱ - اگر فرض کنیم دولت ناحیه شمالی کردستان را جزء استانهای آذربایجان دانسته و رسیدگی با اوضاع آنجا را ضمن ترتیب مسألت آمیز، مورد توجه قرار دهد تا حدی نگرانی هائی که در این باره بود رفع خواهد شد.

ولی اگر دولت این دو موضوع را از هم تفکیک کند و بخواهد روش غیر مسألت آمیز، راجع به استانهای شمالی کردستان اتخاذ کند باید بسیار نگران بود.

و در همین سرمقاله اشاره بودیم به سردشت چنین تذکر دادیم:

« سر از قوای نظامی وارد پیش سترز که بنظور تقویت پادگانهای آنجاست مدهای حمل بر مقدمه اردو کشی به آن محدود میداند. اگرچه از روی مصالح کشور بنسبیت و قیامی که در او اخیر

و اما جای بسی تاسف و تائز است در موقعی که غصت وزیر آزادبخت ایران در سایه کاروانی و نراست نمود نزدیک است قضیه آذربایجان را بوجه مسألت آمیز و رضایت بخش حل کند، چنین والله ای در کردستان روی دهد. وقوع چنین اتفاقی، در این موقع که مذاکرات نمایندگان مردم آذربایجان با دولت در جریان است و در روزهای که قرار دادی بین اهالی آذربایجان و اکراد ساکن آن ایالت منعقد شده، و یکی از مواد آن « همکاری نظامی طرفین در مواقع ضروری » است، و اما تا گوار و اسف آور میباشد.

ما بر حسب وظیفه و وجدانی خود از همان روز هائی که جناب آقای قوام السلطنه زمام امور مملکت را بدست گرفته، هر هفته تذکراتی راجع به کردستان دادیم و چون از اهمیت موضوع کردستان تا حدی اطلاع داشتیم آرا از لحاظ داخلی و گاهی هم از نظر سیاست خارجی مورد بحث قرار داده حتی نظریات پستی از جراید خارجی را هم راجع به این موضوع از همان روزنامه ها اقتباس و ترجمه نموده چاپ کردیم و کوشش داشتیم که دولت و مصلحتان مزبور خود را بیشتر به بررسی این موضوع متوجه سازیم.

اولین تذکر ما در هفته اول اردیبهشتی جناب آقای قوام السلطنه بود و در شماره ۴۴ روز دوشنبه ۸ بهمن نوشتیم:

« وجود یک یا دو وزیر کرد در دولت شما ضروری است. زیرا با بودن آن ها بسیاری از مشکلات کردستان را میتوان حل کرد. وجود آنها در میان وزیران باعث امیدواری سکنه مناطق کرد نشین شده و آنها از طریق عاملان و سفیرانی میتوانند از بسیاری از پیش قدمه ها جلوگیری کرده و چون بیشتر یا امور کردستان واقفند میتوانند در هر موقع راغزائی هائی درست بشایند.

در مورد کردستان به تیار گراوش هائی مأمورین دولت اشتهاد نکنید در هر گراوش مهمی بغیر کفایت دقت نمایند تا صحت و سقم آن برای شما روشن شود. آنگاه تصمیم بگیرید.

از وجود متمدنین محلی و کسانیکه سوابق روشن دارند، برای تقویت دولت خود استفاده نمایند »

در شماره ۴۹ دوشنبه ۱۴ فروردین سخن سرمقاله: توجه خاصی به کردستان باید داشت نوشتیم:

« در همین سرمقاله اشاره بودیم به سردشت چنین تذکر دادیم:

« سر از قوای نظامی وارد پیش سترز که بنظور تقویت پادگانهای آنجاست مدهای حمل بر مقدمه اردو کشی به آن محدود میداند. اگرچه از روی مصالح کشور بنسبیت و قیامی که در او اخیر

و اما جای بسی تاسف و تائز است در موقعی که غصت وزیر آزادبخت ایران در سایه کاروانی و نراست نمود نزدیک است قضیه آذربایجان را بوجه مسألت آمیز و رضایت بخش حل کند، چنین والله ای در کردستان روی دهد. وقوع چنین اتفاقی، در این موقع که مذاکرات نمایندگان مردم آذربایجان با دولت در جریان است و در روزهای که قرار دادی بین اهالی آذربایجان و اکراد ساکن آن ایالت منعقد شده، و یکی از مواد آن « همکاری نظامی طرفین در مواقع ضروری » است، و اما تا گوار و اسف آور میباشد.

ما بر حسب وظیفه و وجدانی خود از همان روز هائی که جناب آقای قوام السلطنه زمام امور مملکت را بدست گرفته، هر هفته تذکراتی راجع به کردستان دادیم و چون از اهمیت موضوع کردستان تا حدی اطلاع داشتیم آرا از لحاظ داخلی و گاهی هم از نظر سیاست خارجی مورد بحث قرار داده حتی نظریات پستی از جراید خارجی را هم راجع به این موضوع از همان روزنامه ها اقتباس و ترجمه نموده چاپ کردیم و کوشش داشتیم که دولت و مصلحتان مزبور خود را بیشتر به بررسی این موضوع متوجه سازیم.

اولین تذکر ما در هفته اول اردیبهشتی جناب آقای قوام السلطنه بود و در شماره ۴۴ روز دوشنبه ۸ بهمن نوشتیم:

« وجود یک یا دو وزیر کرد در دولت شما ضروری است. زیرا با بودن آن ها بسیاری از مشکلات کردستان را میتوان حل کرد. وجود آنها در میان وزیران باعث امیدواری سکنه مناطق کرد نشین شده و آنها از طریق عاملان و سفیرانی میتوانند از بسیاری از پیش قدمه ها جلوگیری کرده و چون بیشتر یا امور کردستان واقفند میتوانند در هر موقع راغزائی هائی درست بشایند.

در مورد کردستان به تیار گراوش هائی مأمورین دولت اشتهاد نکنید در هر گراوش مهمی بغیر کفایت دقت نمایند تا صحت و سقم آن برای شما روشن شود. آنگاه تصمیم بگیرید.

از وجود متمدنین محلی و کسانیکه سوابق روشن دارند، برای تقویت دولت خود استفاده نمایند »

در شماره ۴۹ دوشنبه ۱۴ فروردین سخن سرمقاله: توجه خاصی به کردستان باید داشت نوشتیم:

« در همین سرمقاله اشاره بودیم به سردشت چنین تذکر دادیم:

« سر از قوای نظامی وارد پیش سترز که بنظور تقویت پادگانهای آنجاست مدهای حمل بر مقدمه اردو کشی به آن محدود میداند. اگرچه از روی مصالح کشور بنسبیت و قیامی که در او اخیر

و اما جای بسی تاسف و تائز است در موقعی که غصت وزیر آزادبخت ایران در سایه کاروانی و نراست نمود نزدیک است قضیه آذربایجان را بوجه مسألت آمیز و رضایت بخش حل کند، چنین والله ای در کردستان روی دهد. وقوع چنین اتفاقی، در این موقع که مذاکرات نمایندگان مردم آذربایجان با دولت در جریان است و در روزهای که قرار دادی بین اهالی آذربایجان و اکراد ساکن آن ایالت منعقد شده، و یکی از مواد آن « همکاری نظامی طرفین در مواقع ضروری » است، و اما تا گوار و اسف آور میباشد.

ما بر حسب وظیفه و وجدانی خود از همان روز هائی که جناب آقای قوام السلطنه زمام امور مملکت را بدست گرفته، هر هفته تذکراتی راجع به کردستان دادیم و چون از اهمیت موضوع کردستان تا حدی اطلاع داشتیم آرا از لحاظ داخلی و گاهی هم از نظر سیاست خارجی مورد بحث قرار داده حتی نظریات پستی از جراید خارجی را هم راجع به این موضوع از همان روزنامه ها اقتباس و ترجمه نموده چاپ کردیم و کوشش داشتیم که دولت و مصلحتان مزبور خود را بیشتر به بررسی این موضوع متوجه سازیم.

اولین تذکر ما در هفته اول اردیبهشتی جناب آقای قوام السلطنه بود و در شماره ۴۴ روز دوشنبه ۸ بهمن نوشتیم:

« وجود یک یا دو وزیر کرد در دولت شما ضروری است. زیرا با بودن آن ها بسیاری از مشکلات کردستان را میتوان حل کرد. وجود آنها در میان وزیران باعث امیدواری سکنه مناطق کرد نشین شده و آنها از طریق عاملان و سفیرانی میتوانند از بسیاری از پیش قدمه ها جلوگیری کرده و چون بیشتر یا امور کردستان واقفند میتوانند در هر موقع راغزائی هائی درست بشایند.

به کجا می‌رویم؟

میلیونها سال از عمر دنیا میگذرد و در مسیر گردباد عجیب «ایام تنه» جهان فانی و یک تاریخ عجیب و بی‌بوت آورد «کوتاه یوسیده و صدها هزار دست گردیده» برای ما بیادگار مانده است این تاریخ که قطعا مولود تشکیلات اجتماعی هر دوره است، هر فصل آن به سه قسمت کامل طبقه بندی شده و نتیجه‌ای دارد که از هر جهت چه از نظر سازمان، طرز اداره، اصول عمل هر صنف آن با صنف دیگر کاملا متفاوت می‌باشد، ولی دوسراسر این تاریخ یک موضوع در همه جا هم آهنگ و یکتوانی است بنظر می‌رسد و آن مخالفت‌ها و تلاشها و مبارزات سیاسی است که اساس آن بر محوریت «متمدن» و ضمتا «آزادی موقت» بشریت استوار است.

در هر حال این همه مخالفت‌ها نه مابین دوستان، دشمنان، ضعیفان و پادشاه و تملی شکرلی از آغاز نگاه پنهان و گاه آشکار موجود بوده است تاریخچه (مبارزات سیاسی ملل برای نجات و آزادی) نام دارد و شما باید نظر سطحی بر اوراق آن که جنگهای بین المللی آنه، محرومیت و مصیبت های جانسوز را در خود می‌فشرده، به خوبی مطلع خواهید شد که در واقع این بردها نتیجه حسی ترقیات نیروهای اقتصادی و سیاسی بر اصول سرمایه داری انحصاری در حال حاضر و سیستم های اقتصادی دیگر در دوره های گذشته است.

ملاذد همین دوره دیدیم که ترقیات نامتناسب اینگونه مال به اغتلال سخت موازنه داخلی سیستم جهانی سرمایه داری منجر گردید و ضمتا آن دسته کشورهای غنی و سرمایه دار که از لحاظ مواد خام و بازار آزاد هجرت خود را تأمین شده بیش از همه هر آن دربی «منطقه نوذخ» به صورت های گوناگون هستند.

منظور برای تأمین منافع خود دنیا را از صورت صلح آتیز خارج و به دو اردوگاه متضام صفت بندی گردوندند و این را در دنیا بر پا کردند.

دو حال با اینکه انسایت پشت سرهم و یکی بعد از دیگری سنگرهای جنب مانده کن خود را تنج و باشتاب و عجله به سوی تکامل می‌رود ضمتا بعضی عوامل منفی نیز با بیای او پیشروی می‌کند و مبارزات و جنگهای جهانی نتیجه تمام همین اصول قدیمی و کهنه ووجهی فاسد اینگونه اجتماعات می‌باشد در همین زمینه یک نتیجه غامبی که بر اساس آن سالی تاریخ حاصل می‌شود اینست که در آخر این جنگ ها آزادی و برادری بیروزی در خواهند آمد و دهالی به شدین ملل امیر و بنیان یک دنیای آزاد بوجوی که هدف ملل آزاد جهان باشد حسی است.

اما چون این نتیجه خیلی عمومی است باید چهار چشمی مواظب بود که در این راه غصه نشه موبه برشی ترهات توجه ننهد و در تلاه خود را فرس نگه‌داریم و از ترس دستهای بعضی از دول که مسیبن

تفسیر سیاست هفته

دنیای ایران در هفته پیش

واقعی جنگ هستند و با آزمايشگاهي خطرناک دنیا را بچنگ و شون کشیده می‌کشند فرار کنیم و تنها به یک پدیده که همگی نتایج خصوصا آزادی واقعی و دموکراسی حقیقی از آن حاصل است توجه کنیم و بس زیرا نقطه این راه باز است.

در ایران ما چه می‌گذرد؟

از مذاکرات نمایین نمایندگان آذربایجان و دولت جرحان سخنانی که شنیده می‌شود خبر دیگری در دست نیست و هنوز روشن نشده که مذاکرات در باره قضیه آذربایجان به نتیجه نظمی رسیده است یا غیر امروز به مثل تلگرافهای که از طرف سازمانهای مختلف آذربایجان مغایره شده در جراید تهران منتشر می‌شود و در این تلگرافها چیزی که بیش از همه جلب توجه میکند همان علاقمندی کامل نژادمان مبین دوست آذربایجان به پیوستگی با عموم توده های ایرانی است و بس.

در هر حال باید انتظار بود که این آزادیها و حقوق مشروع است که به اهالی آذربایجان خواهد تاغوا داده شود در سر اسر کشور حسی نقاط دور افتاده کشور نیز تسهیم یافته و به منافع واقعی خود و در همه جا مستقر گردد.

از تهران

پس از ورود آقای پیشه وری و سایر نمایندگان مردم آذربایجان به تهران مذاکرات بلا فاصله شروع و با اینکه صحبت هایی حسی از آزادی های بیگانه دالر به عدم موافقت شنیده می‌شود مملو آتطور که معلوم است مذاکرات آن به آن به نتیجه مثبت و قطعی ترازیدک گردیده و می‌گردد.

ورود آقای وتون الدوله پنهان و همین طور اخباری که جسته و گریخته از منفعات غرب و اوصالی که در آن نقاط انجام میشود با سایر اعمالی که در شمال چه پنهان وجه آشکار عملی میشود و جشن اول ماه مه (عید کارگران) در تهران جزو تضایب مهم هفته محسوب میشود.

هنوز ابرهای تیره اقلی سیاسی جهان را فرا گرفته است کنفرانس پاریس چه دربر خواهد داشت؟

یک هفته از کنفرانس چهار وزیر امور خارجه که در پاریس در حال تشکیل است میگذرد و در این مدت جریان امور بقول رادیو لندن با کندی عجیبی پیش رفته است.

هنوز در خصوص گرامات ایتالیا که یک مسئله زیر با افتاده و معمولی بود تمسیمی گرفته شده و در اطراف خطوط مرزی بین یوگسلاوی و ایتالیا و بندر ترست شایعات کجی کندی شنیده میشود. در جلسه گذشته که بیش از سه ساعت ادامه داشت باین اختلافا بیشتر دامن زده شد.

در این جلسه رفیق مورثف تقاضای یوگسلاوی را تأیید ولی بوین صریحا مخالفت کرد و اظهار نمود که این نظر با تمسیمی که کارشناسان در این مورد گرفته اند می‌آیند دارد.

و گویند کارشناسان اینست که «ترتیب» به ایتالیا و «یولا» به یوگسلاوی واگذار شود.

در خصوص مسائل مربوط به آلمان و پیشنهاد فرانسه دائر به تجزیه منطقه دوهر نیز اصولا موافقتی حاصل نشده و در آنورد نظر اینست که تجزیه آلمان هر وقت رژیم هالی نظیر «لازیسم» و «هیتلریسم» به همراه خود دارد کنفرانس صلح نیز که در اول ماه مه یعنی هفته پیش فرار بود تشکیل شود در نتیجه همین جریانات به اول ژوئن موکول گردید و قرار داد های صلح نیز همینطور موقوف مانده است.

بهر صورت اینهمه مشکلات موجود است و بر خلاف پیش بینیهای دیگران از این کنفرانس نیز نتیجه تا امروز حاصل نشده است و باز با اصول دفع الوقت می‌گویند ممکن است تمامه متناهی آتی به ایجاد راه حلی موفق شده ولی به این امید هم نباشد دلگرم بود و چیزی که هست و نباشد در آن تردید نمود اینست که نه این کنفرانس و نه شورای امنیت هیچکدام و هیچیک قادر به حل مشکلات فانی که با وضع عجیبی دنیا را تهدید میکنند نخواهد بود. و این مذاکرات نیز بشون اغدا نتیجه بیابان میرسد و دیپلمات با انتظار لوتینی روبرو خواهد شد.

خطر آلمان دنیایا تهدید میکنند؟

امروز ها مرکز نقل سیاست جهان مجددا بران گردیده است و همه چشم ها سوی آلمان دوخته شده و همه ناظر تحولات ترقیخواهانه اقتصادی اجتماعی که در دست خاور آن منطقه انجام می‌گیرد هستند.

موضوع تجزیه روه که یک منطقه منتهی و عظیم است از پیکر صیقل آلمان قضیه ایست که بیش از هر چیز جلب توجه میکند.

گر سنگی وقطعی که بیشتر کشور های اروپایی را اذیت میدهد ژرمن ها را بیشتر در تحت فشار قرار داده است و بقول یک روزنامه نگار آمریکایی هر روز هزارها کودک حشم زاغ و مویور آلمانی در این خرابه که یک روزی زیبا تر و آباد تر از همه جا بود می‌پسیرد و کسی هم نمی‌فهمد که چطور تمدن و موجودیت میلیونها مردم با وضع حواری انگیزی تهدید میشود.

در هر حال در این ویرانه که امروز آلمان نابیده میشود سیاست های مخصوصی بازی میشود و مققرات هفتاد میلیون آلمانی بیورد در دست عده معدودی افتاده است هر طور می‌خواهند بپیل خود می‌چرخانند.

در فلسطین چه خبر است

پس از سخنرانی اخیر منتر اتلی و اعلام گزارش کمیته منضبط انگلیس

و آمریکا جنبش ناگهانی بی سابقه در فلسطین و اورشلیم مشاهده و بودی ها از دادن اسلحه های خود جدا امتناع کردند.

و از دیروز در اورشلیم کلیه مقارعه ها بسته شده و وساطت نقلیه و حوال اعصاب مباحثه و در این میان سیاه افراطیون اعراب که اظهار میکنند بودیها چرا اسلحه خود را تحویل نمیدهند منصفانه بنظر نمی‌رسد بهر حال این قضیه و موافقت مبادرت بود را هم جزو مسائل بسیار مهم روز باید محسوب کرد.

نظر کلی بر رویدادهای جهان

در کنفرانس وزیران امور خارجه تا کنون تصمیم قطعی حسی درباره لیتول و جنوبی «گرفته نشده است».

مستر بوین یادداشتی بر سر تسلیم و در آن دولت آمریکا پرسیده شده است که تا چه حد حاضر است در اجاره نظر کمیته منضبط با فشاری کند و از ترمین نیز در جلسه مطبوعاتی پرسش شده که آیا حاضر است بیرونی برای صلح اسلحه به فلسطین بفرستد.

مذاکرات مربوط با امور هندوستان (راندیل) با پیام گرد با حضور نمایندگان اعراب مختلف در «سیلا» پایتخت یلاتر هند شروع و جیزه نیز با هوای بسیار گردید و گمانی نیز گویا بتوان متاوره همه نمایندگان دای می دهد لرد استانسکی با اسپین صدقی باقا در خصوص قرارداد ۱۹۴۶ مذاکره میکند.

سادته کرمانشاه

دو ساعت بعد از ظهر روز ۲۱-۲۰ ۲۵ جمعیت زیادی در محل حزب توده جمع و قصد داشته اند بحال اجتماع در شهر نظادراتی بنمایند چون از طرف یاوران شهربانی از این محل مسامت بپل می‌آید افراد حزب قانع نشده زور خودی در می‌گیرند که در نتیجه آن یکنفر باسبان و یکنفر ژاندارم و چهار نفر اشخاص متفرقه متول میگردند.

مقرر اطلاع واصل آقای پاسیار اسفندیاری رئیس شهربانی کرمانشاه در این روز بسیار بوده و این اتفاقات در نتیجه سوء اداره و بی تعیری یاور رئیس سر کلانتر آنجا بوقوع پیوست است آقای یاور رئیس چندین سال است در کرمانشاه مأموریت دارد با وجود اینکه تا بحال چندین مرتبه و روسای منضبط شهربانی کرمانشاه انتقال را از این شهر خواسته اند از طرف اداره کل شهربانی موافقتی شده است شاید سرلشکرت این بوده که چنین اتفاق روی دهد تا آقای یاور رئیس دل از کرمانشاه بکنند.

صوبه بین سال پیمان

روزنامه مبین پیام که در شیراز منتشر میشود اخیرا وارد سومین سال انتشار خود شده است این روز نامه جوان با مطالب و مقالات مفید خود دوسال در راه ترویج افکار عمومی کوشش نمود ضمن تهیت آغاز سومین سال روز نامه پیام به آقای محمد علی عطیعی صاحب امتیاز و مدیر دانشنده و آقای عبد الرسول هفتیمی موقتیت آن را خواستارم

بخش زندگان کوهستان

در برنامه سال ۱۳۲۵ روزنامه کوهستان اینطور پیش بینی کرده بودیم که علاوه بر توزیع روزنامه در شهر ها و نواحی نواحی گردشین ، در دهات هم روزنامه را در دسترس علاقمندان قرار دهیم ، زیرا اطلاع صحیح داشتنیم که از دهات دور رس برای خرید چند شماره روزنامه فاسد ها بشهر و نواحی فرستاده می شود و این امر فقط برای ممدودی از علاقمندان به « کوهستان » مقدور است شاید بسیاری باشند که مایل به خواندن روزنامه کوهستان بوده ولی با نقد چنین وسیله ای باشند

از این جهت فکر کردیم بهتر است از همکاری همه ای از مالکین استفاده نمایم و از این دو برای چند نفر ، هر یک چند شماره روزنامه فرستادیم که در دهات خود توزیع نمایند تا سفته در نتیجه اینطور ارتباط شد که آقایان تصور فرموده اند که منظور ما از این اقدام این بوده که هر یک مبلغی بر روزنامه ما کمک نمایند و ما چون ما خود جایزیده ایم سفته ایم صریحا تقاضای کمک مالی بنمایم : چند نفر ، که شاید هر جا اسم کمک شنوند مرتش گردند ، بدون توجه بنظور ما ، فوراً روزنامه را هودن داده بودند . بنگار از آقایان مبلغی در سال بنام ملک به روزنامه تقبل نموده بود ضمن اظهار امتنان از عمل فاضل محترم اخیر لازم است این موضوع را تذکر دهیم که ارسال روزنامه بنظور تکدی و با جمع آوری امانه نبوده ، فقط کسی که از آقایان خواسته شده ، توزیع آن در دهات و وصول وجوه اشتراک (در صورت بودن مشترک) بوده است ، آنهم فقط از این نظر که نایندگان در دهات نداریم .

آقایان بیایست باین اصل توجه فرموده باشند که روزنامه ای که خواهد از این و آن بناوین مختلفه بول بگیرد دیگر آزادی عقیده نخواهد داشت و وقتی که آزادی عقیده نباشد ، انتشار روزنامه منی ندارد .

ما چون به آزادی عقیده خود کمالاً پاینده فقط کمک هایی را می پذیریم که از روی عقیده و ایمان باشد آنهم نه هجانی بلکه هر مبلغی که برای ما برسد بمعدل آن روزنامه خواهیم داد بنا بر این ما اینگونه کمک ها را که همکاری صمیمانه است با کمال میل فقط بشرط دریافت روزنامه از طرف اشخاص می پذیریم .

ننان علاقمند چند نفر مشترک معرفی میکند ، ما از او بسیار متشکریم زیرا اولاً معلوم میشود که روزنامه ما علاقمند است و ثانیاً از این راه کمک مالی هم به روزنامه کرده .

روزنامه تا بول نداشته باشد دوام نخواهد داشت . بول هم باید از راه مشروع برسد . خواهد مافروش روزنامه ، وجوه اشتراک ، هاه چاپ آگهی هاست و هر کسی بشواهد بخواهد روزنامه ما کمک کند یا باید در فروش روزنامه مساعدت نماید . یا مترشعه معرفی کند و یا از راه تهیه آگهی نیه مالی ما را تحویب نماید . این نکته را یاد آور می شویم که

روزنامه کوهستان مادام که سرمایه مالی داشته باشد منتشر خواهد شد و آرزوی که دیگر سرمایه کافی برای انتشارش نبود تعطیل خواهد گردید و هلت تعطیل هم با کمال مراحت با اطلاع خوانندگان محترم خواهد رسید .

این قسمت را هم متذکر میشویم که اگر وجوه اشتراک مشترکین روزنامه مرتب برسد مجموع آنها هزینه سایانه روزنامه را تأمین مینماید ولی با وجود این علاقمندان بروزنامه کوهستان از تبلیغ و از دیاد مشترک جدید ، مشابه ندارند معنی نه تمنا و مشتاقی را که هر دو هفته اخیر علاقمندان به « کوهستان » معرفی نموده اند زیرا با اطلاع خوانندگان می رسایم :

- ۱ - آقای بداف رضایی کلهر از کیلان قرب ۱۱ نفر
- ۲ - آقای آزاد پور از مشهد ۳ نفر
- ۳ - آقای دکتر سیدی از کرمانشاه ۳ نفر
- ۴ - آقای هرمزی از تهران ۳ نفر
- ۵ - آقای امین جتی از خرم آباد ۲ نفر
- ۶ - آقای کریم الله از تهران ۲ نفر
- ۷ - آقای محمد حسام وزیري از مشهد ۱ نفر

اخبار مستفاد

- ۱ - انجمن ولایتی رخ خوراک شهر را تصویب و دو جلسه متعدد بهای اجناس را با تخفیف کافی اجازه آگهی داده است .
- ۲ - ملبوس تازه و مستعمل امریکائی اخیراً بسته چو آورده شده بهای هر یک در ستهج یکمده الی فویست ریال میباشد
- ۳ - باره کی های متصل خرابی های زیاد در خانه های شهری و دهات فراهم نموده است .

اخبار خرم آباد

بانو بیجاری ساکن تهران که به اتفاق حسین نام خاکساری برای خرید ماشین به خرمشهر رفته بود در مراجعت در گذره شورا با ۱۸ کیلو متری خرم آباد مورد حمله سارقین مسلح قرار گرفته در نتیجه مقتول و کلیه امانتیه و وجوهی که همراه داشت بظارت رمت دزهبان شب مامورین ژاندارمری به تفتیش سازوین پرداخته فلانچار نفر را دستگیر نموده اند .

اهالی این سامان از او ایای محترم دولت تقاضا دارند برای بسر قراری امتیاز عطف توجه خاص باین نواحی مسئول فرمایند .

ناپنده نامه کوهستان در خرم آباد

اسد اللهی

عرض تشکر

امضا کنندگان زیر دانشجو یات کردستانی داشکمه پزشکی مراتب تشکر و امتنان خود را از انتحاب آقای دکتر عبد العسین اردلان بریاست بهفدری کل شهرداری که از جوانان لایق و تحصیل کرده گرد هستند بحضور جناب آقای نصرت وزیر عرض مینمایم :

طوباری - میوئی - وکیل - آراسته - بیجو .

ترجمه آفای منصور شهنواز

مناره دزدان

- ۳۰ -

- غیر ، هبیت حالا باید تصبیم گرفت .

- غیر ممکن است . من باید مطابق وعده ای که به مائو داده ام فردا با او همراه باشم .

در این وقت دو برادر صدای خود را آهسته تر کردند و هراس دیگر چیزی نشنیدند .

فردای آن دوزوقش هراس از خواب برخاست و افابیل را تنیده و سایر دزدان هم خود را برای رفتن به جاده آماده میگردند .

هراس از جا بلنده شد و خواست بجای مسول خود دوزیر درخت تیریزی برود اما سبزه راه او را مسدود کرده با لحن مسخره آمیزی گفت همین جا بایست خیلی صبره دارید که ما را ترک کنید باید مطابق با شما بگویم .

آهوت یو برای او مرک یکی از اسرار را شرح داد که چون وجه خلاصی او نمیدهد بود او را کشته بودند و سپس قیافه شومی بخود گرفته گفت این حرف برای این است که شما هم خود را آماده کنید .

یو از همه رازان بیشتر با هراس دشتی داشت هراس فراموش نمیکرد که همین مرد تصور بریدنش را سوزانیده و با گشتاشی تمام کت را از تن او بیرون آورده بود علاوه او با افابیل دوست تازه هراس هم بسیار دشمن بود پس از یو یکی دیگر از رازان دو بهراس کرده گفت دو یا سه روز بیشتر با انضای مدت شما نمانده است .

در این لحظه مائو پیش آمده با لحن جدی و مصمم گفت : مادر شاهچ اندامی برای رهائی پس من نسیکنده لحن مجبور تصبیم دیگری در باره این موضوع بگیریم . مائو سپس ساکت شده با سایر دزدان بست جاده حرکت کرد در آن موقع چندی هم از ظهر گذشته بود . هراس تکررتها در میان جنگل باقی ماند .

محبوس جوان غطراتی که او را تهدید میکرد فراموش نموده بود . سخنان یو اثرات عم انگیزی در روحه اش ایجاد کرده بود اما او بیش از این در باره وضعیت خود فکر نکرد بیشتر فکرش در باره مادرش بود . چندین روز بود که از اجدها شده . کوچکترین خبری از وی نداشت . آه - مادری چاره من ، بخود سبکفت و اشک در چشانتان حلقه میزد . بلبین دادم که او هر گونه مشائی را برای نجات من متحمل خواهد شد .

آه ، او اکنون چقدر پریشان و مضطرب است ، اما بزودی خواهد آمد . مردار از جوان لطیف خود خواهد نترسد . من تمام رنج ها و سخن را از خاطر او خواهم زدود . آه چند در منزل کوچکمان در انگلستان خوشبخت خواهیم بود . آهوت هراس اجدها رفت و رفتش را در مدرسه بنظر میآورد ، دور او جمع شده با دقت تمام سخن او گوش می دهنه .

فصل دهم

« اخبار جدید »

مصرف و نهای رازان از جاده برگشتند هوا تاریک بود ، امروز دیگر آنها موفق به کشتن و غارت کردن کسی نشده بودند . همه غسناک و غسناک بنظر می رسیدند . یو با خود من خرید و مائو بیافه هولناکی بخود گرفته بود . آریکو و برهکس شاد بود . او با خوشحالی و افاتیل را نزد خود پذیرفت مائو رو به دزدان کرده گفت : سزای اینها که وقت ما را بیوده دوزیر بوده ها تلف کردند خواهم داد ، بیشتر در جواب او گفت : این کار تصبیر خاصی است که با آنهاست .

یو با صدای بلندی گفت : این فقط تصبیر و افابیل و دهامای کفر آمیز است با اینکه در مصرف شمع مومی جلوی تئال حضرت مریم خیلی دقت کردم از روزی که آترا هوش کرده ام همه چیز بر خلاف میل ماست . یکی از رازان گفت : حضرت مریم به دعا هسای او گوش نفع خواهد داد . یو در جواب گفت : چرا میدانم که حرفهایش مؤثر است و گره چرا امروز آریکو وایر کناری کشیده نسیکده است همراه مایانده آهوت رو به افابیل کرده گفت خوب افابیل اعتراف کت که شما برادرت را بیهوشانی نگاهداری .

افابیل با لحن آرام و متینی گفت بلی من سمی کردم تا او را از رفتن باز دارم . مائو با غشم و لب فراوان در حالی که طایفه اش در دست بود طرف افابیل روی آورده و با لحن تهدید آمیزی فریاد کرد : آه ، تو خود اقرار میکنی و سپس در دنبال کلام خود گفت : تو از خدا خواهسته ای که مسافرتی را از رفتن باز دارم ؟

افابیل باز با صدای ملایمی گفت : بلی . مائو بیشتر با او زدیک میشد هراس از وقوع حادثه ای میترسید . اما رئیس دزدان به تهدیدهای خود قناعت کرده بطرف غار روانه شد . در حالیکه سایر رفقایش دنبال او می رفتند .

رازان امشخته بودند و بزودی خوابیدند آریکو و افابیل با هم به غار نوم رفته هراس هم در جایی همیشگی خود در غار رفت . هراس صدای دو برادر را از دور می شنید که با هم آهسته صحبت میکردند و افابیل صریحا از برادرش خواست می کرد که از رازان جدا شده زندگی آبرومند و شرافتمندی داشته باشد .

- آریکو از تو خواهش میکنم که مائو را بحال خود بگذار ای اگر میخواهی که زندگیت برای مردم مفید و برای خودت سعادت مند باشد . آریکو در مقابل ایست حرف ها چیزی ای گفت و مقاومتش جزئی بود پس از آن در جواب افابیل گفت پس بگذار چه روزی در باره این موضوع فکر کنم

بنام آقای عباس آزاد بور نماینده انجمن ولایتی کردستان

پیامی چند از انجمن ولایتی به ادارات

میدانید پس از قبول سال احکام قانون ربيع الثاني ۱۳۲۵ ملت خواست از حق خود استفاده کند و بایستد دنیا تشریفات بی سابقه انتباهات بمل آمد نمایندگان معین شده حال این منتخبین وقت تالیف و تدوین با وسیله کمی به امور وسیع شخصی خود را وقت شده است نوعی نودمانه در این حال باید دید چگونه باید با آنها کار کرد.

امروز تذکر این مطالب بدون ذکر اسامی اشخاص ضروری است ولی هر آنچه این گونه اشکال تراشی ها و کار شکنی ها ادامه داشته باشد از انتظار قانونی و دای واجب الاجرای انجمن و با نظارت در اجرای قوانین در تمام امور معاش و اداری استفاده خواهند شد.

امروز پس از سالها انتظار انجمنی در کردستان تشکیل شده مردم مراجعه می کنند باید از حقوق آنها دفاع نمود شاید بعضی از ادارات مایل به دخالت و رسیدگی انجمن در امور نباشد ولی انجمن بویج وجه نمی خواهد شاهه از زیر بار مسئولیت خالی کند و با مهارت دیگر از مبارزه با فساد دست بکشند و با نظری که رئیس انجمن که از محترمین و مردمان شریف کردستان است بیان نموده: ما برای هرگونه مساعدت و همکاری با ادارات حاضر بوده نهایت جهدت را میذل می داریم تا در اوضاع بهبودی حاصل شود و روی اصول و علاقه بکار و خدمت بود که در جلسه هم تصمیم گرفته شد که علاوه بر جلسات مقرر در هر روز و هر ساعت و برای هر مدت هر قدر طولانی باشد تا سر می سورنی به امور خوراکی که مورد عدم رضایت مردم است داده شود جلسات فوق العاده تشکیل داده شود و تا رضایت مردم از این لحاظ مرتفع گردد.

مسلّم است که نمایندگان انجمن با انتظار اجر نقدی با ارتقاء پایه اداری و به اراده کار گزینی يك بنگاهها شبه وزارت خانه جمع شده اند این بار برای ملت به خدمت نوعی مختصر زندانی نویس اگر هر کدام بکنار استخدام و دستا کنون مقام اداریشان اگر خیلی بالاتر از ریاست يك اداره نبود اقلام ترازمی بود بنا براین بسیار بیبند و بایستد است اگر انتظار داشته باشیم که نامه هایا و اعتمادی های انجمن را که بحکم قانون است که میتواند نظارت در اجرای قوانین و دستورات داشته و با دستورات آن برای ادارات واجب الاجرا باشد مانند صل يك فرد عادی تلقی شود.

انجمن همانطوریکه به اراده مردمی ملت انتخاب شده باید وظایف ملی و عمومی خود را انجام دهد ولی چون هنوز ادارت دولتی آنطوریکه باید به پایه انتیارات انجمن توجه نکرده اند در مدت یکماه اول هر انجمن با اسکتی مواجه شده ایم که لازم میدانم به عرض عامه برسانم از فرمانداری و لشکر و دادسرا رضایت حاصل است زیرا علاوه بر رعایت احترام مکاتبات از طرف این سازمان های دولتی فرمانداری احتیاجات محل و مراجعات ما را با نهایت مساعدت انجام میدهد.

اما بالعکس بعضی ادارات توجه لازم بمل انجمن ننموده اند مثلا از يك اداره صورتی خواسته شده و متاسفانه بیش از چهل روز است رسیده زیرا ارسال صورت را موکول به کسب اجازه از وزارتخانه ننموده اند.

اداره دیگر تصویر اسنادن سهیمه شکر و جای را بحساب سرما و صرف آورده اداره دیگر میبویسد در مرجع صلاحیت دار این اداره است و بی شک می تواند کنیا و مستقیما مراجعه نماید.

ملا انجمن مواجه با بر آوردن نظارات و رفع گرفتاریهای مردم است. تنزل برای اجناس مورد تقاضای مردم میباشد مردم هم معن هستند و بهمان قسمی که در انتباهات علاقه بخرج دادند بسیار بیست اگر زیاد هم امیدوار باشند و مخصوصا در این هنگام زمانه داری جناب آقای توام السلطنه که نامین آسایش شهرستانها مورد نظر است انجمن میتواند قدمی در بهبود اوضاع از هر جهت برداشته و در مورد تنزل برای اجناس بالا خاص مواد خوراکی اقدام موثری بنماید.

از طرف دیگر این تذکر هم لازم است با عده صریحی که رئیس محترم دولت داده اند که در اصلاح مأمورین اقدام اساسی خواهند نمود اگر از يك اداره آنطوریکه باید و شاید از نظر خیر انجمن استقبال نشود با استفاده از اختیارات و وظایف قانونی و بصلاح ولایت از طریق وزارتخانه مربوطه شان اقدام خواهد شد.

قرارداد میان آذربایجان و کردستان شمالی

چند روز قبل از حرکت نمایندگان اهالی آذربایجان بطهران قرار دادی برای تشکیل مراتب مودت بین آذربایجان و کردستان شمالی منعقد شده و روی مواد ذیل (از روزنامه ایران ما اقتباس گردیده) توافقی حاصل شده و طرفین تمهید نموده اند که در آنچه مورد عمل قرار دهنده:

- ۱- دو نقاط معینه نمایندگان دولت با هم تماس لازمه را بعمل آورده و نمایندگان خود مبادله خواهند کرد

از طبع آقای شیخ جمیل خلیفه الدین

وطن

وطن قربانی شیرین جلوه کسی و حتی به سارت هم وطن جبرانی صنی دل رفتی کرد کجارت هم فدای رخساری آرایش گراوی خوش ننگارت به بلا گردانی مرز و بومه کی بر انتحارت هم سراسر رحمت و لطفی خدایه غاکی زوینت فرح انگیز هاوین و بهار و فصل پاییز الی مشکین تازی واه دمه ا بادی گول بیزت به قربانی نسبی صافی بی گسرد و غبارت هم مسرت بختی قلبی غسته به سبیری کیوسارت له طوبی واه کونر چایزه اشجار و انهارت چه دلگبرو ششنگه دشت و کبورو باغ و گلزارت گرنار و اسبیری حسنه کانی بی شمارت هم له تاثیر خیانت کسردنی حکامی نا پاکت له فتنه بر بوهی کاره خوم ، غاکی فرخناکت هو بی دس گراوه لادو کانی پست و چالاکت به باهر خربکی شیونی ایل و بهارت هم وطن شرطه هتا ماوم خربکی شین و روووم ماول و دل پشویه و عاجزی احوالسنکی تووم له جام و ساعری شم تا قیامت مستوی خربم شریکی بهنتی اولاد کانی تار و مات هم هتاکی اینه نرمی ، غصمی ناکس، تنه و تیزی گا هتاکی بو تمدی دشمنی تودس درازی کا هتاکی چاو کانی من له حسرت اشک ریژی کا هتاکی تو ذنبول من شکسته و سرله غوارت هم وطن و اچا که بو حفظ له دشمن سینه اسبرکم بکنی چین و خوف و ترس و نامردی له دل درکم له خویشی دشمنان پنجه و گویا فونی اجبرکم اینتر خلقت به سیفه ، هتاکی شرمسارت هم الهی دایما آو و هواکت روح بیرو بی دم ولوی «جهیلت» بر گلاووشه و شکر بی چراغی انتحار و حسرت و فرمت سنور بی اه تو دایم گمراهه لوبهار و من هوزارت هم اشعار فون را آقای ب . پا . از ستنهج ارسال داشته اند

نگاراف روسای هشابر

از آذربایجان

آقایان صدر قاضی و محمد حسرت خان سرف قاضی نمایندگان محترم کردستان رو نوشت نمایندگان محترم آذربایجان رو نوشت روزنامه های کوهستان ملت کرد که سالهای سال است در راه آزادی هزاران هزار قربانی داده گروه ها و رشت های کردستان را با خون رنگین کرده و هر کلی از خاکش یکنفر شهید راه آزادی را مجسم مینماید این موقع که مفردات خود شو را به آن هیئت محترم سپرده است و برای اینکه بتواند با برادران ایرانی دیگر همکاری کند انتظار دارد این امنیت که تاریخ نظیر آرا دو کردستان نشان نیده و قوه تشون که تا حال حدود کردستان چنین با سپاهانی را بخود نهیده و معارسی که با خون جگر و صرف تمام دارائی خود بزبان کردی تالیس سوده است برایش رسا برقرار نام خود را در تاریخ ابدی کند.

- رئیس شکاک عمر شریلی - سید عبدالله گیلانی - روسای هر کی رشید جهانگیر - زینو بهادری
- ۱- دو نقاطی از آذربایجان که از ملت کرد سکوت دارند و بالنکس در محل های از کردستان که اهالی آذربایجان امانت دارند حکومت های دو ملت موافقت نمایند که وسایل آسایش آنها را فراهم آورده و در امور دولتی مداخله دهنده
- ۲- اشکالات و سائلی که مربوط به دو ملت مزبور پیش می آید بوسیله کمیسیونهای مختلفه حل خواهد شد.
- ۳- بنظور ایجاد همکاری نظامی بین دو حکومت طرفین تمهید می شوند که دو مواقع لازمه با قوای نظامی خود کمک های لازمه را بطرف متضامن بیایند.
- ۴- هر نوع مذاکره ای که باندولت و حکومت تهران لازم باشد یا تبادل نظر دو ملت آذربایجان و کردستان بعمل آید.
- ۵- حکومت های آذربایجان و کردستان برای توسعه و ترقی مدنیت و زبان های ملی دو ملت سعی بلیغ بعمل خواهند داشت.
- ۶- کسانیکه در دوستی و برادری و دوگراسی هر دولت اختلال کنند سبب ایجاد تیرگی روابط آنها باشند به مجازات سختی خواهند رسید.

بنام آقای محمد مردوخ آیت‌الله کردستانی

کرد و کردستان

سنه اردلان

۵۴-

پس از انقضای یکسال درسته ۱۲۵۰
میانه میرزا فرج اشوزیر و میرزا هدایت‌الله
امین بهم خورد و اهل ولایت هم درصیت
ایشان دو دست می‌شوند و والیه متنازل
بطرف امین می‌باشند ولیکن حاج میرزا آقاسی
وزیر اعظم شاهنشاهی که بوزیر بر حسب
تئای والی مساعدت داشته تضایب اختلاف
را برض ملوکانه وسایده هنگام تشریف
فرمانی موکب همایونی به بیلاقانوه
رضا قلیخان والی را با والیه و میرزا
فرج‌الله وزیر و جمعی از ازمواجیان را
بهمدان احضار می فرماید و میانه والیه
را با میرزا فرح‌الله التیام داده آنها را
رضعت مراجعت میدهد

هنگام ورود بکردستان باز والیه
توجهی بوزیر نداشته امورات را مابین
واگذار میکند ناچار وزیر از کار کناره
گرفته پس از دو سه ماه گوشه نشینی
درست ۱۲۵۷ از دنیا در می‌گذرد و بر
حسب تقاضای والیه فرمان وزرات بنام
امین صادر میشود .

پس در تاریخ ۱۲۵۷ یسار دیگر
مسعود پاشای بابان با هزار خانوادهاز
بزرگان و اعظام بابان بکردستان مهذب
بروت کرده پناهخته برضا قلیخان میشود
رضا قلی خان پس از دو ماه پذیرائی
شایان مسعود پاشا را با چند نفر از ازمه
و رجال بابان همراه خود برداشت بطهران
میرود و مورد اعتقاد و عنایات ملوکانه
واقع میشود . پس از پنج ماه توقف
رضعتا سرانجام بانحسب الامر شاهنشاهی
رضا قلیخان سیاه اردلان را غیر کرده
مسعود پاشا را با خود حرکت میدهد
که دو باره او را در دولت بابان استقرار
و استقلال دهد . در آن هنگام که
گفتیم میانه والی پادشاه (والیه) خوش
بوده و جمعی از وزراء و ازمه اردلان
که میرزا هدایت‌الله وزیر در رأس آنها
برده است بطرفنداری والیه پاشا در
نیکار شکنی والی بوده اند پس از آنکه
والی با سیاه خود بکنار دریاچه میروان
میرسد .

میرزا هدایت‌الله نامداران اردلان را میر
کردستان را سرگردگی امان‌الله بیگ
در صیت مسعود پاشا روانه سلیمانیه
می نماید که او را دو آجا استقرار دهد
موضعیت هم بیباده پاشای برادر احمده
پاشا اظهار میدارد که من اردوی والی
زاده را از دلبران و دلبران خدائی
کردام . تا فرست است خود را باردوی
والی برسانید که من وسایل شکست را
دستور داده‌ام که بجزرد شیوه رضا پیش
فرولان عقب اردو هم دهان و متفرق
می‌شوند . هداله پاشا بعض رسیدن
این خبر با یک فوج سوار و دو هزار
سرباز و چهار هزاره توپ در روز چهار
شنبه دهم ربیع الاول سنه ۱۲۵۷ دو ساعت
از دست مسیح گذشت خود را بمحل پیش
فرولان اردوی والی میرساند . میرزا
هدایت‌الله هم از پیش به پیش فرولان
میرود همین که شیور اردوی هداله پاشا

شکست را جوانی و عدم تجربه والی و
خود سری میرزا محمدالحیدر غلب میرزا
شکراله (پسر هموی میرزا هدایت‌الله)
که متیر و مشاور والی بوده مسرری
می‌ناید والی هم همان میرزا هداله
که مسیوه کلمات بوده روانه دربار
می‌گند که شرح با وقع را برض همایونی
رسانیده امداد کسکی برای جبران برالی
برسد . همینکه میرزا هداله حیدر وارد
آستان همایونی میشود در نتیجه تاثیر
کاغذ والیه او را امر بقتل آن ییکنه
صادر و خودوالی هم با جمعی از اتباعش
باصوبت محمد علی بیگ قلام پیشقدمت
به تهران اختار میشود موسی خان و صاف
هم مامور گرفتن و تنبیه مسیبین شکست
میشود لعی الوارود بکردستان با با جاسان
آقای برادر زاده احمد خان بیگلربیگی
مراهم که امیر آخور والی بوده و علی
خان هوکه از سلسله بنی اردلان مقیم
تویسرکان بوده و در آن ایام پیشکار و
همکاره والی شده و اسمعیل بیگ داروغه
و تباد بیگ فراتشاهی را دنولوا روانه
تهران می‌ناید و هشت هزار تومان
جرم و تنبیه از کسان آنها میگیرد والی
بعض ورود بتهران مورد خطاب واقع
شده از حکومت سز و ول و
میرزا هدایت‌الله وزیر بصاحب اختیاری
کردستان و جمع آوری مالیات دیوانی
مأمور و روانه میشود میرزا هدایت‌الله
در رسیدن کردستان میاضلی خان هموی
رضا قلی خان را نایب الحکومه قرار
میدهد و احکام صادره را بهیروی که
سمیع آن (والی) بوده سهمی نماید پس
از سه ماه باستانی خان از نیابت معزول
و محمد سافن خان برادر بزرگ عباس
قلی خان را نایب الحکومه قرار میدهد
هیجده ماه کردستان را باین مشوال اداره
می‌کند . و در آن مدت رضا قلی خان
والی با جماعت سادات و علماء و اعیان
و ازمه کردستان که با او اوارت بودند
در تهران سرگردان و مجبور الکنکلیف
مانند تا اینکه شاهزاده طویری خان میال
رضا قلی خان که همیشه محمد شاه بوده
بتهران رفت بشافت او دو باره رضا
قلی خان بحکومت کردستان نائل میشود
رضا قلیخان طویری خان را با امان‌الله بیگ
و کبیل و سایر کردستانها که قریب هزار
نفر بوده اند عودت داده خودش پس از
چهار ماه با خلعت و فرمان از تهران
بکردستان مراجعت مینماید بفریه (جامه)

نواخته میشود شما قرار کید از تناس
میرزا فضل‌الله مهر داد و میرزا ابوالفتح
و محمد رضا بیگ و شتی غلب محمد علی
بیگ و شیخ علی بیگ پسر نظر بیگ و
میرزا رحیم پسر میرزا یوسف و مسطفی
خان پسر امیر اعلان خان و نجف‌قلی خان
پسرش و محمد قلی خان پسر نظر علیخان
و میرزا محمد رفیع ناظر بیخون اطلاع
و اجازه وزیر نزد پیش فرولان رفت
ناگاه شیور جنگ از طرف اردوی هداله
خان نواخته میشود پیش فرولان بر حسب
دستور وزیر فوراً گرفته و بباردو
عقب می‌نشیند . ولی اشخاص منصله قون
که از دسیه وزیر بی اطلاع بوده اند
تک فرار را بر خود هموار ندانسته
ه تن در مقابل اردوی دشمن بافتاری
می‌ناید والی که از آمدن دشمن مستحضر
میشود . فوراً عبدالحمید سلطان پناه ای را
با هزار تنگنجی سقر و پناه بامداد پیش
فرولان جدید میفرستد و خود نیز اعلام
حرکت میشود که با آنها برسد و وزیر
باز فرمت را از دست نداده همراه
عبدالحمید سلطان میگوید که خود را
از جنگ کنار کشیده بگوشه ای پرودو
اشکر هداله پاشا ۹ نفر متکسور را
معاصره کرده ه را بقتل میرسانند .
رو یوالی نیز سلسه میاورد میرزا
هدایت‌الله یوالی میگوید که پیش فرولان
و عبدالحمید سلطان تماما کتته شده اند
و ایست اردوی دشمن دارد می رسد
دیگر جای توقف باقی نیست فوراً والی
را ناچار از فرار می‌گند و اردوی هداله
پاشا به جا ماندگان سیاه والی میرسنند
و ه را بقتل میرسانند از آنطرف
هم امان‌الله بیگ و کبیل و مسعود پاشای
هم بیگ فرستکی سلیمانیه میرسنند . این
ماجری را شنیده سریناطع خان مینماید
و خود را در شهر یوالی میرساند تنوالیه
هم که از این پیش آمد خوشنود بوده
فوراً تحریک میرزا هدایت‌الله وزیر
شرح گزارش را توسط خود میرزا
هدایت‌الله بدربار مسروض داشته سبب

شوران) که میرسد والیه مادرش نظر
ببگمورت سابقه از کردستان حرکت
کرده از راه گروس بتهران میرود رضا
قلیخان از این وضعیت متاثر شده برادر
خود را امان خان نامی که (غلامشاه خان)
لقب داشته بمشورت و استانتالته تهران
می‌گند که هر شکل بوده والیه را عودت
دهد . امان‌الله خان در بین راه بوالیه
رسیده و والیه امان‌الله خان را هم ملحق
بخود ساخته متغنا وارد تهران می‌شود
و شروع با اقدامات می‌نماید .

بالاخره در نتیجه زسات زیادسته
منجر میشود باین که بلوک (اسفند آباد)
از کردستان مجزی میشود که والیه با
امان‌الله خان مستفادو آجا سکونت نماید
و قنیر علیخان مسدولوا آجا تان هم حسب
الامر ملوکانه مامور میشود که میرزا
هدایت‌الله وزیر و سایر منسوبین و بستگان
والیه را از قبیل محمد صادق خان و حسن
قلیخان و عباس قلیخان و ابو الفتح خان
و ملا محمدی قاشی و علیمحمد بیگ و پسر
اسد بیگ و غیره هم از سته دز کوچا بده
باشند آباد نقل دهد مدت دو سال رضا
قلیخان با کمال قدرت بامر حکومت و
سلطت داری پسرداخته از آجا که
والیه در دربار همایونی بنحزب کارار
مشغول بوده درست ۱۲۶۱ رضا قلیخان
مجددا از حکومت کردستان معزول و
رهبیار تهران میشود و امان‌الله خان
برادرش (غلامشاه) بجای او منصوب و
رواه کردستان میگردد و در صیت راه
میرزا هدایت‌الله تنوفی و آرزوهای خود
را یاخود بزرگ میکند .

حکومت غلامشاه خان اردلان

امان‌الله خان پسر خسرو خان ناظم
چون در حرم سرای خانان منفور تنصلی
شاه متولد شده .
آن خانان سلفه غلامی را در گوش
او کشیده او را غلامشاه خان لقب میدهد
و باین خطاب مشهور و معطاب میشود
غلامشاه خان در سنه ۱۲۶۲ هجری با
خلعت و فرمان حکومت شهر کردستان
وارد شده .
با متوسین و متلقن رضا قلیخان
بنای بدسواکی میگنارد بطوریکه خواب
راحت بدیده آنها آشنا میشود ناچار
امان‌الله بیگ و کبیل که هه کاره رضا قلیخان
بوده با طایفه و اتباع وحشم خود رهبیار
اورامان میشود و در (هوش بدرالی) خیمه
میزنند
و ملا عباس شیخ الاسلام هم با جمعی
باشنار میگنیزند .
شاهزاده طویری خانم میال و زانقلی
خان هم در دارالایاله توقف داشته و
منتظر بوده که محلی از طرف دولت
برای گمان رضا قلیخان مهیت شود .
چون ناسازگاری میال امان‌الله خان
که او هم در دارالایاله بود و طویری خانم بدرجه
شدت میرسد
از طرف دولت هم تمیین تکلیف
بمیهد تاخیر میمانند . ناچار طویری خانم
با امان‌الله بیگ می‌رسد که وضعیات به
جامی رسیده که دوزخ برای من خیلی
خوشتر است از تیرف دارالایاله
ا در بزودی فکری برای نجات من
لکنید خود را تریاک کش خواهیم بود
و کبیل هم مین مراسم طویری خانم را
بحسن سلطان اورا می و احمد سلطان
اورا می ارات میدهد

بک فضل از وجدی

چا و مست شوخ نشان تو چون ایما دکا
زاده صد ساله بیچاره را شیدا دکا
تیسر مزکانت که کاری وک نشان رسته
لسم ده خوین بار من هر لحظه مارا دکا
یک نکلای پسر فریب چارگان مست تو
ای بری رو کار چندبخت حزمه میبا دکا
شیخ عثمان گر بوشی چا و مست ای عزیز
تسرت عشق شاه سوز دختر تیرسا دکا
کر که سوتانی دلورگیان آتش هفت چغتم
کی له شله شمع پرواه همی پروا دکا
آوخسرت لعل نایت بس شقایه بو مسریش
دشمنه روت کویر ما در زاد را بنیاد دکا
هر که رویی وک بهشت توی بدو بک نظر
ایلبسه کسر خود خیال جنت الما وادکا
« وجدی » مسکین له معرقانمت ای نازنین
شور صحرای قیامت در نفس پر باد دکا

اکتسابی های حصر وراثت

آقای اسمعیل معتد وزیر داد - خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که آقای حاج محمد تقی مشهد وزیر معین دائمی سندج به وصیت از سردی پیوسته و وارث آن مرحوم منحصرتیک زوج (بانو ماه رخساره) و چهارپسر (آقایان عیدالله مشهد وزیر - حاج اسدالله - اسمعیل و مهدی) و یکدختر (بانو عا سلطان) می باشد باستاد گواهینامه محلی و رونوشت شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه مرحوم مورث صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی و روزنامه کوهستان درج میشود اگر کسی واخواهی دارد یا وصیت نامه از متوفی نزد او هست از تاریخ نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه تقدیم و الا گواهی صادر و وصیت نامه جز رسمی و سری فاقد تاثیر است رئیس دادگاه بخش کردستان غیابی شماره آگهی ۱۲-۳-۲

آقای اسمعیل صادق وزیر داد - خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که طوبی خان شرف اردلان مادرش مقیم دائمی سندج فوت نموده وارث او منحصرا به پسر آقایان (اسدالله - اسرت الله - اسمعیل صادق وزیر) و سه دختر بانوان (هبا - رعنا و کیلی - لیلی مشهد وزیر) میباشد باستاد گواهان محلی و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه مرحومه صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج میشود اگر کسی واخواهی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه نماید والا گواهی صادر و وصیت نامه جز رسمی و سری فاقد تاثیر ندارد رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۸-۳-۲

آقای علی اکبر وزیر و کالاناز آقای محمد حاجی امینی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که آقای محمد باقر حاجی امینی مقیم دائمی سندج بلا اولاد فوت نموده وارث او منحصرا بیک برادر (محمد و گلشن) و یکدختر (آمنه خانم) میباشد باستاد گواهی نامه محلی و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی مجلس و روزنامه کوهستان درج بینماید اگر کسی واخواهی دارد یا وصیت نامه رسمی و سری از متوفی نزد اوست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۹-۳-۲

آقای علی اکبر وزیر و کالاناز آقای موسی شری دادخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که خلیل شری مقیم دائمی سندج فوت نموده وارث او منحصرا بیک برادر (موسی و گلشن) و یکدختر (فرشته) میباشد باستاد گواهی نامه محلی و شناسنامه برای وراثت از کلیه ترکه مورث صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه مجلس و روزنامه کوهستان درج بینماید اگر کسی واخواهی دارد یا وصیت نامه رسمی و سری از متوفی نزد اوست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه نماید والا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۱۰-۳-۲

آقای حاجی طبری در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که عبد الکبیر طبری پدرش مقیم دائمی سندج فوت نموده وارث او منحصرا بیک پسر (حاجی) و سه دختر (ماه رخسار - ماه گذار - زیور) و یکدختر (فرخنده) می باشد باستاد گواهان محلی و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه مورث صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج بینماید اگر کسی واخواهی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر و وصیت نامه جز رسمی و سری فاقد تاثیر ندارد رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۱۱-۳-۲

آقای علی اکبر امیرزاده امیر شیخ الاسلامی در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که با و اسما امیر شیخ الاسلامی مقیم دائمی سندج بلا شوهر و اولاد فوت نموده وارث او منحصرا به فردوس خانم (مادر) و علی اکبر امیرزاده (برادر) و سه خواهر (آقایان الهی و قمراللوک - امیردت) میباشد باستاد گواهی نامه محلی و رونوشت شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده - لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج بینماید اگر کسی واخواهی دارد یا وصیت نامه رسمی یا سری از متوفی در نزد او هست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۱۲-۳-۲

آقای وزیر و کالاناز از محی الدین جلالی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که محمد امین جلالی پسر و گلشن مقیم دائمی سندج فوت نموده وارث او منحصرا بیک زوج (غرامان) و یک پسر (محی الدین) و یکدختر (کلثوم) بوده امیرا غرامان نیز فوت نموده وارث او فقط بیک پسر (محی الدین) و سه دختر (کلثوم - کبری - صفی) میباشد باستاد گواهی گواهان محلی و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه متوفیان صدور آگهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج بینماید هر کس واخواهی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۱۳-۳-۲

باو ملوک نویسی درخواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که بانو ماه سلطان مادرش مقیم دائمی قزوین سولایه بلوک چهار دولی سندج فوت نموده وارث او منحصرا به یک پسر (عبدالمجید بسائی زاده) و یکدختر (بانو ملوک نویسی) میباشد باستاد یکپس گواهی نامه محلی و رونوشت شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج بینماید اگر کسی واخواهی دارد یا وصیت نامه رسمی یا سری از متوفی نزد اوست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۱۴-۳-۲

عیدالله تراکزی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که عبدالحسین تراکزی (پدرش) مقیم دائم سندج فوت نموده وارث او منحصرا به پسر (عیدالله علاء الدین - شکرالله) و یکدختر (صبرت و یک زوج (بلبله) بوده سپس شکرالله نیز وفات یافته وارث مالکیت مشارکت فقط (عیدالله برادر اربوبی) میباشد بستانه گواهی نامه و شناسنامه برای تبدیل سند مالکیت شده اند که خاله ۱۸۹۱ مورد تقاضای ثبت عبدالحسین بنام وارث نامبرده گان و سببیه شکرالله کلا بنام عیدالله صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده . دادگاه مراتب ۳ بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج بینماید اگر کسی داد خواهی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر و وصیت نامه جز رسمی و سری فاقد تاثیر ندارد رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۱۱-۳-۳

آقای غلامحسین ایزدی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که حاج سید اله ایزدی مقیم دائمی سنتر کلیانی فوت نموده وارث او منحصرا به دو پسر (غلامحسین - عبدالحسین) و سلطان خانم (مادر) و یکدختر (آهو) و سه دختر (ملوک - رقیه - آسیه) میباشد باستاد گواهی نامه محلی و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه مجلس و روزنامه کوهستان درج میشود اگر کسی واخواهی بینماید یا وصیت نامه رسمی یا سری از متوفی دارد از تاریخ نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میگردد رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۹-۳-۲

آقای رحمت الله نصرایی ضمن نامه مفصلی شکایت بینماید که اموال او در سال ۱۳۲۰ غارت شده چند نفره سند و قبضه و بیچاق مشارالیه به پشایر برده شد و محمد طالب نام ۴۰ بانی اینت اعمال بوده و حتی اکنون هم مقداری از امانت غارت شده او را نزد خود دارد چندی است از هراق به سفر آمده و به دست باری صالح سلطان پناه ملک مشارالیه را مورد ضبط و تعدی قرار داده اند در پایان نامه خود آقای نصرایی تقاضا دارد که چند نفر مأمور بشارالیه داده خود تا علاوه بر پیدا کردن اموال غارت شده در خانه آنها اسلحه و مهمات هم در نزد آنان کشف نماید . کوهستان - توجه فرمانده محترم لشکر را به شکایت وارده فوق جلب بینماید .

آقای عبدالصمد صادق پور از کرمانشاه می نویسد : یکدستگاه عمارت در بخش آبریزه دماغ کویه سارایی را برای مدت دو سال به اداره فرهنگ کرمانشاه داده ام حالیه مدت شش ماه است مدت اجاره آن منقضی شده هر قدر به اداره فرهنگ مراجعه میکنم وقتی به اظهارات منی گذارند . چون بنده دارای همین یک ساختمان هستم و میخواهم فرزندان خود را بسا عائله ام که در دهات بسر می برند بشود آورده سرپرستی تربیت و تحصیل آنها را داشته باشم استدعا دارم وزارت فرهنگ دستور فرماید برایش سفارش توجه باینده : کوهستان - توجه وزارت فرهنگ به تقاضای وارده جلب میشود

سال چهارم روزنامه آرزو روزنامه آرزو اولین شماره سال چهارم خود را با گراورهای سیاسی و مطالب سودمند منتشر نموده موفقیت مدیر محترم و نویسندگان آنرا از خداوند مسئلت بینمائیم .

چاپخانه شرکت مطبوعات

رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۹-۳-۲

رئیس دادگاه بخش کردستان - غیابی شماره آگهی ۱۱-۳-۳

بلم آتای هوشنگ سهرابی

آهنگ ستمکشان کرد

کتابیکه نیروهای عظیم و هولناک ملت جنگجوی ژرمن در سراسر اروپا اسب قدرت و ایهت را تاغت و سمران و زمامه ارانشان بغیال خویش طرح و مدل اظم نوین جبارا میربختند زرگان و فرماندهان متغلبین برای بدست آوردن آزادی و برعلیه دیوخلوخواز چنگ در میان کشتی بر روی آبهای یکسران آلباوس اطلس دورخم جمع شده منتور اتلانتیک را که در آن آزادی عظیمه و زبان و منصف تمام ملت های کوچک و بزرگ نام آوزن و مرد خسترو پسر بیرو جوان نظیر وثنی، عالم و جاهل، زشت و زیبا و صوبین و تنظیم شده بود امضاء کرده و پشتوانه این سند تاریخی را وجدان، شرف، قول، شده انفرادی نه پانگانی چنین مدرک محکم و استواری توده های دلچیر و کسایکده نهاد و زیر بار جور و فساد پسر میردنه قلم علم کرده فریاد پیدادگری، کلا فرمایان و اربابان جاهل و پول پرست را بگوش هالبلان رسانیده در این گیسو دار کشور باستانی ایران نیز میدان تاغت و تاز هسایگان مزین شده بوسیله قوای نظامی سرتاسر خاک ایران اشغال نموده اند.

ایرانیان هم چنین عادت دیرین میهن نوازی و جوانمردی منقسم سربازان و دوستان را گرمی شمرده کلیه وسایل حیاتی و سیاسی و اجتماعی را از قبیل راه آهن، تلگراف و تلفن رادو بیوسیم خطوط حومه کارخانجات اسلحه سازی، کتدم و خود ارباب و بیرونلاسه همه چیز را در اختیار آنان گذاشت به امید اینکه فردا در ننگره صلح گرس نشانه کمی داشته چیران زبانه های پشمارامه و معنوی دوران تیره و زاریه متاسفانه این آرزو هنوز از گراه های دوردست افق پیدار نکند و ترمیا بصورت نغیبات شاهره و تجسم میا نژدر آمده است ولی سودی که تاکنون عاید ملت کهن سال ایران گشته همانا پیداری و تحریک احساسات میباشد بدینشی فرزندان داریوش از اطاعت خشک و بیت پرستی و تسلیم فرامین و اوار میهدی نجات یاقه بدهد از خلی گم بگمده قلیلی هتیار شده بصفون ملی و قانونی خود که سالهای منادی فرمان روایان جبار از ما سب کرده بودند بی برده و نهیدند که سعاهالست در خواب غفلت فرورفته اند.

پس از واقعه شهریور ماه ۱۳۲۰ سالکنین مرز و بوم ایران خود را برای یک بارزه شدید و خونینی آماده ساخته و احزاب و فرقه های مختلفی را تشکیل دادند.

هر شهرستانی پسرانشو موسوبت همراهی، شروع به نهجتهائی کرده و نصبانی را بنام اجرائی قوایت مقدس دموکراسی اتخاذ نموده از طرف آزادی خواهان و دوشتفرکان تدهیت شده گو اینکه در تمام این مدت گروهی کارمندان عالیرتبه مرتجع و بد پیشه دولتی برای برهم زدن پشته آزادمان از هیچ عملی پشت و کنشی از راهی نبودند لیکن چون مبارزان با ایمان و وحدت و میهن است بودند شوشخانه شاهد موفقیات را در آغوش گرفتند

پس از واقعه شهریور ماه ۱۳۲۰ سالکنین مرز و بوم ایران خود را برای یک بارزه شدید و خونینی آماده ساخته و احزاب و فرقه های مختلفی را تشکیل دادند.

هر شهرستانی پسرانشو موسوبت همراهی، شروع به نهجتهائی کرده و نصبانی را بنام اجرائی قوایت مقدس دموکراسی اتخاذ نموده از طرف آزادی خواهان و دوشتفرکان تدهیت شده گو اینکه در تمام این مدت گروهی کارمندان عالیرتبه مرتجع و بد پیشه دولتی برای برهم زدن پشته آزادمان از هیچ عملی پشت و کنشی از راهی نبودند لیکن چون مبارزان با ایمان و وحدت و میهن است بودند شوشخانه شاهد موفقیات را در آغوش گرفتند

گسرت پرویز محمود

چندی بود که ترانه های پرویز محمود نامر را مشغول کرده بود و فکر میکردم بدون شک این ترانه ها هم مثل ترانه هابست که مسولاً گروهی بر اطلاع جمع آوری کرده و با موسیقی مریوی تری و غربی مهاراً آهوده اند

بالاخره برای اینکه شخصاً اطلاع حاصل نمایم در کسرت اخیر پرویز محمود حضور یافتم و آنچه را که دیگران توصیف نموده بگوش خود شنیدم.

کسرتی پرویز محمود که بروی آهنگهای محلی خالی ایرانی ساخته شده و مضموناً نستی از آهنگهای کردی در آن گنجانده شده است بیش از حد در من تاثیر نمود و خوشوقت شدم که بالاخره شخص هنرمند ایرانی وجود دارد که آثار خالص موسیقی ایرانی که تحت تاثیر نفوذ موسیقی دیگران فراد نکرده است گرد آورده و بدین ترتیب موسیقی حقیقی ایرانی را بصورتی که مورد پسته هالبلان است تنظیم بنماید و تا قسم در اینست چرا دولت بسا وجود مضارح زبانی که برای احیاء موسیقی کشور بنماید از وجود چنین هنرمندی استفاده نمیکند.

افسر و سرباز که در فرهنگ به معنی حافظ و نگهبان حقوق و ناموس ملت و کشور است در کردستان مفهوم اصلی خود را عوض کرده از هیچگونه شتم و تندی به مال و جان و ناموس و رنج نکرده اند.

اکنون در شهرستانهای مستخرج و سفلو پناه خوردن و خوابیدن را مرتضی مسافرتهای دور و نزدیک کسب و تجارت مطالعه و بررسی جرایم و مطبوعات تحت کنترل فرمانده معظم و فایح بوده و مشکل ترین مقررات جنگی جبهه های الحظین و استالینگراد حکمفرما میباشد

ژاندارم که مامور و ضابط دادگستری است روستائیان و دهقانان و از کونجت و غارت و جبارول نموده حتی ترین اعمال دوزخیان با سبیل را به آنان روا میدارند چنانچه شماره اخیر روزنامه کیهان تحت عنوان دیکتاتوری ژاندار مری واضح به فجایع گروهیبار غلاری فرمانده پاسکاه قریه مولان آباد از نونه های کوچک و شاهمه هاست نهرمان داستان بگرن ضیف و بدبختی است که پاهر و غضب الهی ترسو وحشت (گروهیان ژاندارم) در حالیکه بروی الاغی پشت روسوار شده و سرشرا تراشیده و دور آبآبی گردانده اند دچار گشته است سر کار گروهیان با بنسل فرم آور قاهره نر نموده اعر به بریدن دم خر و قسم مرغ انداختن پسر و صورت زن بیچاره میفرماید در کشور های مترقی کیتی سازمانهای بزرگ و آبرومندی از قبیل انجلیت سرویس

پنشنور کشف نوطتی و دسیه های بیگانگان و سرگویی دشمنان بطور غلبه بوجود آمده و خدمت گرانها را به کشور خویش مینماید بدنه در کشور ایران چند تن هاربت نایاب و خدانشناس و بی عاطفه و بی سواد را تربیت کرده و برای بر باد دادن خانواده های بی گناه بکردستان گد گد میدارند.

بیم آن میروند اگر داد نگویند بخت چشم از زندگی وحشی و بیستی بوفیده و داد خود را با کینه و غضب بگیرند زیرا کاسه سیر لبر ووظلم و شقاوت پسرعه گمال رسیده است.

دیگر بیش از این دست بزبان فشتن و اطاعت کور کورانه نبودن تسلیم پسر کس و تا اس گشتن خون جگر خوردن در منطق آزادگان و خردمندان جبار و مصلح نیست باید با نیروی قدرت و اراده و هم -ولادین و دست برادری و عزت از روی شتهای عقل و سرفراز از بریار سکنین سفاکان و بیرحان شاه خالی کرد تا بدات در هروق اگر داد خون جاری و اصلاحات و مشاعرشان یا برجا و استوار است برادران گرد باید با نظار سعادت و همراهی دیگران بنشینند.

این خولان این شیاطین این ششکار ها این بی باکها از خونسردی و خشکیابی و میهنادری کرد سوره استنداده نموده بغیال اینکه قادر بدفاع حقون مشروع و مسلم نیستند گستاخانه مسوبات شوم خودشانرا علی الرغم منشور اتلانتیک و آزادی بشر هل مینمایند.

شایسته است زستمکشان کرد قیام کرده برای اید جور و استبداد را ریشه کن و از قاموس زنده گالی محو سازند.

بر جناب نصرت وزیر با شهامت و ادمردایران آتای قوام واجب است به ناله های سوزناک قوم کرد توجه نموده و امر برسیدگی نوری نظلمات آنها فرماید شنا اهالی فجور کردستان بویژه سفلو که بیشتر از سایرین در آتش بدبختی میسوزند لازم است پناوین مغضله چون جرایم استعصاب، متینک، تحسین و غیره حق مسلم و قانونی را گرفته و ثابت نمایند رنده و نو اجنابهای را دارند و نیز بداتنه دولت آزاد بخواه جناب آقای قوام برای استماع هر گونه شکایات آنان مهیا و دفاع از حقوق مشروع و قانونی را محترم بشمارند.

خبر انجمن بهداشت کردستان

انجمن بهداشت کردستان در این هفته توجه خود را به لزوم اجراء يك نجر جراح که از عهده کارهای جراحی بطور کلی بخواهی بر آید و بکنفرس متخصص در کارهای آزمایشگاه مسطوف داشت

وجود يك نجر جراح برای شهرستان مستخرج بسیار ضروری است زیرا اولاً مردمان بی بضاعت و آنها تک قدرت مالی ندارند که نیازانشان را به جراحی دیگر بری مصالحه و هبل اجراء داشته باید در شهر مستخرج وسایلی داشته باشند که در آنها به مصالحه جیردازند و بودن وسیله تنها کافی نیست بلکه بکنفرس متخصص لازم است که بتواند از وسایلی که تهیه خواهد شد استفاده نموده احتیاجات مراجعین را رفع کند

ثانیاً اشخاصی که قدرت مالی دارند بیبود وقت و پولی تلف نکرده در همان جا وسایلی آمودگی بیماران خود را در دسترس داشته باشند

بنابر این قبل از اقدام به تهیه هر گونه وسیله جراحی، جراح و مرئیات با ملت استفاده کرد و اجراء داشت. برای اینکار انجمن چنین صلاح دانست که بوسیله روزنامه های پایتخت استخدام بکنفرس جراح را با اطلاع آقایان پزشکان برساند تا داوطلبانی که مایل به اقامت و خدمت در کردستان باشند با مساعدت لازمه مراجعه کنند و بعد از میان آن ها شخصی را که از هر جهت مناسب باشد در نظر گرفته وسایلی استفاده او را فراهم نماید

پس از جراح برای کردستان يك آزمایشگاه با وسایلی کافی و بکنفرس متخصص در کارهای آزمایشگاهی لازم است بری اینکار نیز آگهی منتشر شده و پس از اینکه داوطلبین خود را معرفی کردند شخصی را که برای این امر هم صلاحیت و تناسب بیشتر داشته انتخاب خواهد گردید

در اینجا نیز میداد یاد آور می شویم که انجمن بهداشت کردستان برای تأمین حقوق خود آه ماهیانه جراح و متخصص کارهای آزمایشگاهی محتاج به کمک های مالی اهالی خواهد بود زیرا صحیح است که وزارت بهداشتی خلقی برای پزشکان تعیین کرده خواهد پرداخت ولی کمتر مسکن است این حقوق آنها در باشد که بکنفرس جراح خوب و با بکنفرس متخصص در کارهای آزمایشگاهی حاضر شود برای در یافت آن به شهرستان ها برود

بنابر این برای تأمین زنده گی آنها کمک های فنی اهالی مورد نیاز خواهد بود

طریق کمک و میزان آن بعداً با اطلاع ما کتب محترم کردستان خواهد رسید

مؤسسات بهداشتی
هر تب نخواهید داشت
عازم که نخواهید.
خواستن تنها حرف زدن
لیست. خواستن آن است
که کمک کنید. کمک اساسی
شما کمک مالی است.

کوهستان

مالکین کردستان توجه فرمایند

توجهی هم به دهات لازم است

باوندگی های فراوان اسباب ممت هاست در صفحات غرب بی سابقه بوده است.

کوهساران سبز و غرم ، گله داران را امینوار و درازخ با طراوت و شاداب ده نشینان و زارخین را خوشحال ساخته است . بطوریکه اگر حشم و محصول از خر بیاریها و آفات محفوظ بماند میتوان گفت سال ۱۳۲۵ . سال فراوانی و وفور است

ولی اگر از مزهه قدسی به خانه زارخ بگذریم خانه را ویران ، اسبیل را خراب و بطور کلی ده را ویرانه خواهیم یافت و اگر برسد کی داخلی زارخ قدری توجه کنیم خواهیم دید که خرابی مسکن ، تلفات انسانی و حیوانی زیادی را باعث شده . بطوریکه بسیاری از زارخین را خواهیم یافت که حتی گاو های کارخان نیز تلف شده و برای شخم زدن زمین معطل و سرگردانند .

و حجت متوسط کردستان جز یک یا دو کار کار ، چند واس گوسنه و بز یک الاغ ، بمشتری اناج منزل و یک گوسفند نان خود چیزی ندارد . زندگی او از دستریج خود ، قدرت گاوها و محصول گوسندان بدست می آید .

و حجت بیچاره پس اندازی ندارد که اگر بیکسال خشک سالی او را از محصول محروم ساخت و یا بسیاری تلفات به اشتاش وارد آورد بتواند آنرا جبران کند .

و حجت کردستان اگر بیکسال دچار آسیب محصول یا حیوان شده از هشی فاقد میگردد زیرا اگر کلیه اناج خانه اش را هم بفرود کند قادر به تهیه نان سالیانه خود نخواهد بود تا چه رسد به خرید گاو و گوسنه . بنا براین یکسال نا مساعد سازی است با نابودی و حجت .

تنها روزنه امید و حجت در مواردی که بیچارگی او را تهدید میکند کمک مالک است .

کمک مالک هم بسیار از دادن مقدار ناچیزی بزر است که و حجت بکار و در سال بعد مسترد دارد . این کمک برای وهابانی که تروی گاو باشند تا اندازه ای موثر است .

ولی اگر و حجت آقدر بیچاره شد که کارش را هم از دست داد دیگر نه مالک کمک فوق را خواهد کرد و نه اگر چنین کمکی بکنند بحال و حجت ملید خواهد افتاد .

سروشست چنین وضعی که زمانی هم مسکن است گذشته ای ده و از متبوترین ده نشینان بوده . و در اثر یکسال نا مساعد ، به و حجت متوسط میل شده و در نامساعدی نوبت دوم ، به بیچارگی افتاده ، جزقش و فلاکت و نابودی چیز دیگری نخواهد بود .

و حجت بیچاره ، در اثر جهل و بی سواد ، جز دنبال کردن رویه ابتدایی خود چیزی نمیداند .

دنیا را همان ده خود و چند فرسخ اطراف می بیند و فکرش آقدر توسعه ندارد که برای ایام به پیشی و هنگام پیش آمدن اتفاقات ناگوار راهی در نظر بگیرد که خود را حفظ کند .

مالکین کردستان نیز بنوبه خود همان رویه مالک دارای سابق را تقلید می کنند و بهمان طریق که از قدیم الایام معمول بوده اکنون هم عمل میکنند بطوری که اولاً هیچوقت مالک رو بترقی و ترقی ثانیاً اگر اتفاقاً برای یک یا چند سال چند و حجت به چینی اضافه شود در میزان در آمد مالک چندان موثر نی باشد .

مالک در کردستان آنطوریکه باید از آب و خاک استفاده می کند و اگر مالکیش یافت شود که خیال هران مالک داشته باشند معارج اولیه آنها را از این فکر منصرف می شد تا عامل این باشد اگر آبادی مالک معارج اولیه دارد .

پس خرج استهلاک شده و اضافه درآمد از ده بدست خواهد آمد .

امروز وضع دنیا تغییر کرده ، آن افکار قدسی پنجاه یا صد سال قبل دیگر دنیا پسند نیست .

برای اینکه بتوان در دنیا حاضر زندگی کرد باید خود را با آن مناسب نمود .

امروز ما بسیار ضروری میدانیم که مالکین کردستان به رهایی کمک کنند . در تسمیر خانه های ویران شده آنان توجه نمایند ، از نظر تهیه وسایل کار مساعدتشان کنند .

کمک مالکین در این سال ۱۳۲۵ باید موثر و محسوس بوده طوری باشد که و حجت یک در باید که اسباب بر خلاف گذشته مالک علاقه به بهبود وضع و حجت نشان داده است .

این است آنچه را ما فعلاً بصلاح مالکین میدانیم . بقیه را خود دانند

احتیاج بپزشک

پکنفر جراح عمومی آرموده و یککنفر پزشکی تخصص در کار های آزمایشگاهی برای شهرستان سنندج مورد نیاز است . دلوطلبان بامدارک لازم صبح ها بین ساعت ۹ و ۱۱ بطلب آقای دکتر و اسمی در خیابان زاله مزاجه فرمایند «انجمن بهداشت کردستان»

اگر روزنامه کوهستان علاقتدید تبلیغ آنرا فراموش نکنید

آبوسان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال خارجه - ۲۵۰ ریال
تک نفری داخله ۴ ریال خارجه ۵۰ ریال
جای اداره - تهران خیابان فردوسی و ویروی بانک ملی کتفی ۶۶۷

قطعه نامه حزب رزگاری کورد

دو میان نامه های واده این هفته ورقه چاپی که بر زبان کردی در عراق انتشار یافته جلب توجه میباشد این ورقه قطع نامه حزب رزگاری کرد « حزب رزگاری کورد » میباشد . از آنجاییکه مرکزی از فعالیت اکراد عراق برای بدست آوردن آزادی است ذیلاً ترجمه آن معض اطلاع خواننده ان و کوهستان چاپ میگردد .

قطعه نامه حزب رزگاری کرد

(حزب رزگاری کرد) که در تاریخ کالون اول ۴۵ (دسامبر) از طرف هیئت و قبه حزب صادر شده

۱ - هدف عالی ما اتحاد و آزادی کردستان بزرگ است ، و از آنجایی که میدان فعالیت حزب مخصوص کردستان عراق است کوشش خواهیم کرد عراق را از زیر بار نفوذ استعمار و حکومتهای کهنه پرست و مرتجع که همیشه بزرگترین مانع پیشرفت کردهای عراق در راه نبل برام عالی خود (آزادی و تعیین سروشت) میباشند نجات دهیم .

۲ - بدست آوردن استقلال اداری کردستان عراق

۳ - از یمن بردن هر گونه تبعیض و امتیاز نسبت به ملت کرد و اقلیتهای دیگر .

۴ - ایجاد تحکیم ارتباط و علاقه حزبی با سایر احزاب کردهای خارج عراق .

۵ - اصلاح وضعیت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی بوسیله گرفتن حقوق دموکراسی و ترقی کشاورزی و صنعت و نشر معارف و بسط تعلیم و احیاء تاریخ و آداب و کولتور کردی

۶ - زبان تحصیل و رسمی در مدارس و ادارات مناطق کرد نشین باید زبان کردی باشد

۷ - کوشش برای نیسان مسئله کرد به تمام ملل مخصوصاً ملل غارومیا

۸ - کوشش برای ایجاد ارتباط و همکاری با کلیه ازاب سازمانهای دموکراسی .

۹ - کوشش برای ایجاد علاقات سیاسی با دول دموکراسی برای مقابله با فتنه های استعماری و ارتجاعی (نوگرهای استعمار) که برای اسیاء و تجدید بینان سعادت آباد فعالیت میکنند و به منظور برای مقابله با سازمانهای استعمار و کهنه پرستی که به منظور جلوگیری از جنبشهای آزادیخواهی مخصوصاً در مقابل ملت کرد بوجود آمده اند .

جنگ در کردستان

و در انتظار توضیح کافی دولت تذکرات ذیل را می دهیم و باز یادآوری می نمایم که نیر کز لولا با این میسران ، در منطقه ستر ، اگر دولت منظور خاصی نداشته باشد ضروری نیست .

تشریح قوای دولتی و حمله بر اکراد کاملاً بی مورد و زیان آور است . مرعوب ساختن مردم و سخت گیری در حالیکه جریان اوضاع کاملاً روشن بوده محتاج هیچگونه کوشش برای کسب اطلاع نیست جز تاوقت نبضت دستکرات ، هر چه باشد ، اثری در جلو چیزی از آن نخواهد داشت این نشانها مرقه در بیشتر باشد مردم بیشتر از دولت متشر می شوند .

هر قو و افسران را بیشتر اجازه دخالت در مقدرات مردم بدهید پس نا امیدی خواهد افزود . این رویه و هر قدر بیشتر ادامه دهید بهتر مقدمات طغیان مردم را فراهم خواهید کرد

بیشترسیم که با ادامه این رویه کردستان روزی یک پارچه آتش بشود .

بقیه از منصفه ۱ داده شده باشد .: - با توجه با اوضاع حاضره این تصور قابل قبول نیست

۲ - فراتر نمی قوای کردستان بدون دستور سر کز چنین اقدامی نموده باشد

۳ - با در نظر گرفتن سوابق و اطلاعات آقایان سرلشکر جهانیان و سر تیب های یونی میادرت به چنین اقدامی اهمیت خود سرانه بسیار باید بنظر میرسد

۴ - دست های مردووزی در کار بوده باشد

۵ - در این موقع باریک که مفاکره با نمایندگان مردم آذربایجان جسر میان دارد مقدمات عدم موفقیتی فراهم آید . این را باید با یک علامت تسجیب و یک علامت استهتام جواب داد

۶ - اشتباه فرماندهان واحد ها بوده باشد

۷ - هم آهنگی بیباران های اولیه و حلات بعدی را که از نقاط معطله آغاز شده بکنکو ؛ بدست آورد کرد

۸ - بهر حال جریان بسیار مشکوک است و مالک از نتیجه هم چینی نمی نمایم .